



ارتش جمهوری اسلامی ایران
سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس

۲۰ سال تنهایی

تالیف: عزت الله معظمی گودرزی

سال ۱۳۹۰

سرشناسه : معظمی گودرزی ، عزت الله ، ۱۳۳۴ -
عنوان و نام پدیدآور : بیست سال تنهایی / نویسنده عزت الله معظمی گودرزی
مشخصات نشر : تهران : سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری
اسلامی ایران ، ۱۳۸۹
مشخصات ظاهری : ۲۲۸ ص
شابک : ۴۰۰۰۰ ریال : ۲-۷-۹۰۲۹۳-۹۰۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
موضوع : داستان فارسی - قرن ۱۴
شناسه افزوده : سازمان حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران
رده‌بندی کنگره : ۱۳۸۹ ب ۷ ۷۷۵ ع / ۸۲۱۱ PIR
رده‌بندی دیویدی : ۸۳۳ / ۶۲
شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۸۵۶۲۴

۲۰ سال تنهایی

تألیف: عزت الله معظمی گودرزی

ویراستاری : بهزاد میراحمدی

کنترل نهایی : محمد رضا تقی زاده

طراحی جلد : امیر حسین سجادی

نوبت چاپ : اول

سال چاپ : ۱۳۹۰

شمارگان : ۴۰۰۰

چاپ ، لیتوگرافی ، صحافی : چاپخانه کورش

شابک : ۲-۷-۹۰۲۹۳-۹۰۶۰۰-۹۷۸

قیمت : ۴۰۰۰۰ ریال

ناشر : انتشارات سازمان حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی

سخن ناشر

کتاب تاریخ این سرزمین را که ورق می‌زنیم در شکست‌ها، خونمان به جوش می‌آید به صفحات زرین و پر افتخار هشت سال دفاع مقدس که می‌رسیم سرشار از غرور می‌گردیم، چگونه یک ملت توانست با دست خالی در برابر ارتشی مجهز و تقویت شده و حامیان قدارش ایستادگی نماید و پوزه او را به خاک بمالد؟

آیا نباید این همه ایثار و رشادت غیور مردان این سرزمین به آیندگان انتقال یابد؟ در این راستا سازمان حفظ آثار و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران عزم خود را استوار نموده است تا با مستند سازی این وقایع، رزمندگان سلحشور خود را به جهان معرفی نماید، این سازمان برای ثبت خاطرات همه رزمندگان آمادگی کامل دارد و دست یاری عزیزانی را که در این عرصه همکاری نمایند به گرمی می‌فشارد. از خداوند متعال، خالق زیبایی‌ها مسئلت داریم ما را در این راه کمک نموده تا بتوانیم همه این افتخارات را به رشته تحریر در آوریم و دین خود را به شهدا و رزمندگان ادا نمائیم.

انشاءالله ...

سخن مؤلف

روزی که این نوشته را به پایان رساندم با اشتیاق به یکی از مؤسسات حفظ و نشر ادبیات جنگ که به همین انگیزه تشکیل شده بود رفتم تا به جهت چاپ به آنها تحویل دهم.

احساس خوبی داشتم به واسطه اینکه می‌اندیشیدم نسبت به شهدا و جانبازان و آزادگان عزیز قدمی مثبت برداشته‌ام زیرا گوشه‌ای از رنج‌ها و مصایب آنان را به مردم اهل مطالعه نشان دادم، خصوصا در خلال داستان سعی شده اطلاعات لازم مربوط به زمانهای دور و نزدیک کشور عزیزمان ایران را به خوانندگان القاء کنم تا خواننده ضمن اینکه قهرمانان کتاب را به خوبی شناخت با آنها ارتباط نزدیک و مأنوس برقرار کند، نه اینکه موقعیت زمانی و مکانی وقایع جنگ برآی خواننده ناشناخته بماند و خواننده نتواند حالات روحی و احساسات درونی هر قهرمان را لمس کند و البته سعی بسیار شده با دلایل مستند ریشه جنگ هشت ساله عراق و ایران را که در جایی دور آبیاری شد به خوانندگان گفته شود و همچنین سعی شده به خوانندگان بگوید دسیسه و حيله‌های پشت پرده قدرتمندان جهانی در آینده هم خواهند توانست برای ما و کشورمان درد سر ایجاد کنند، مگر هوشیار باشیم!

در خلال ادامه داستان مرور بر تاریخ دور و نزدیک ایران و اعراب درنظر نویسنده بوده چرا که معتقد است اگر انسانها از تاریخ خود پند نگیرند تاریخ برایشان تکرار خواهد شد.

اما بعد از اینکه کتاب را تحویل دادم چندین ماه در انتظار جواب ماندم تا سر انجام احضار شدم پاسخی که از مدیر مسئول شنیدم این بود:

کتاب بسیار خوبی است و انسان را به خود جلب میکند تا ادامه دهد و بداند سرانجام داستان چه می شود نکته جالب و خوب دیگر کتاب اینست که ارتباط خواننده با قهرمانان داستان ارتباط نزدیکی است و خواننده دردها و رنجهای قهرمانان را لمس میکند.

اما معایبی نیز دارد که ما را از چاپ آن باز میدارد. نخست اینکه امروزه مردم مشغله و دردسر فراوان دارند و باید مطلب را خیلی خلاصه و بدون حاشیه به آنها بگویم. دیگر اینکه نویسنده مدام از روند داستان دور می شود و به خواننده اطلاعات تاریخی می دهد که به نظر من مطالعه تاریخ و آگاهی دادن مسائل تاریخی ضروری نیست. بهتر بود بدون حاشیه داستان را پی می گرفت در نهایت اگر نویسنده تمایل به چاپ کتاب دارد حاشیه ها و گریز هائی که خواننده را از روند داستان دور میکند حذف نماید کتاب را برای چاپ می پذیریم.

در پاسخ این مدیر محترم عرض کردم در آغاز سخنتان فرمودید کتاب، خواننده را با قهرمانان داستان همسو میکند تا احساسات آنها را به خوبی درک کند. آیا این بدان معنی نیست که گریزها و حاشیه رفتنها موجب ارتباط آنها شده؟ اما اگر آنچه که شما می گوئید من انجام دهم به مصداق

این می شود که بنویسم جنگ شد. بسیاری شهید و معلول و اسیر شدند و السلام تا وقت مردم که مشغله فراوان دارند هدر نرود. در چنین اتفاقی چند مشکل باقی می ماند، یکی اینکه مؤسسه ای به این عریض و طویلی با صدها یا دهها کارمند و پنج طبقه ساختمان غیر ضروری و مازاد خواهد بود و باید تعطیل شود.

دیگر اینکه به دلیل مشغله کاری مردم نگوئیم و ننویسیم چرا جنگ شد؟ آیا باز هم جنگ خواهد شد.

ریشه فساد کجاست و... همچنان حاشیه و گریزهاست که گذشته و آینده را به هم پیوند میزنند و برای آیندگان همه چیز را روشن می کند نه قصه پردازی ساده.

بعد از این گفت و شنود کوتاه کتاب را بردم و دیگر سراغ چنین مؤسساتی نرفتم. تا اینکه در وقت دریافت جایزه بابت کتاب حمله به اچ ۳ با مدیران و مسئولان محترم ساحادم آشنا شدم و مجدداً بعد از نه سال و شش ماه کتاب را به ساحادم (سازمان حفظ و نشر ارزشهای دفاع مقدس ارتش جمهوری اسلامی ایران) تحویل دادم.

لذا خوانندگان محترم توجه داشته باشند. اگر تحولاتی در منطقه خصوصاً عراق رخ داده ولی از آن نام برده نشده به این دلیل است که جنگ دوم آمریکا و متحدانش علیه عراق بعد از نوشتن این کتاب بوده اما در لابلای گریزها با دلایل منطقی چنین حوادثی پیش بینی شده است .
والسلام ...

عزت اله معظمی گودرزی

شجاعت و از خود گذشتن یکی از صفات بسیار پسندیده و خوب است که شاید از همه خصایل نیکوی انسانی پسندیده تر باشد. به شرطی که جهت خدایی داشته باشد.

همه اقوام و ملل دنیا خصلت شجاعت را می پسندند و نیکو می دانند. در ادیان الهی نیز بارها این صفت پسندیده را ستوده اند. هیچ قوم و ملتی نیست و نبوده که میانشان شجاعت و دلآوری رخت بسته باشد و هیچگاه از خود شجاعت و مردانگی بروز نداده باشند.

اگر کسی فکر کند شجاعت و دلآوری مربوط به یک قوم یا ملت بوده و هست، در جواب خواهم گفت این اندیشه اشتباه است. شجاعت و مردانگی در مقابل حوادث و مهاجرت بیگانگان بستگی به رهبران و بزرگان هر قوم و ملت دارد که چگونه شجاعت و دلآوری و از خود گذشتگی را به ملتشان القا کنند و یا آموزش دهند.

همچنان که خصایل نیکو و پسندیده دیگر همچون صداقت، راستگویی، دوستی، احسان، مروت، قناعت، وفاداری، ایمان، خوش خلقی و... بستگی به رهبران و بزرگان هر قوم دارد تا چگونه و چطور خصایل نیکو و پسندیده را مردمشان پرورش دهند.

چند سال قبل شبی قرار بود در جلسه قرآن تفسیر و یا برداشت خود از آیات قرآن که آن شب تلاوت شد برای دوستان توضیح دهم (سی و دو سال است که با جمعی از دوستان جلسه قرآن داریم امید است که دوام یابد). در آن جلسه من گفتم در قرآن ابلیس همان است که از طرف خداوند رانده شده و یک موجود است زیرا جمع بسته نمی شود و تا زمانی از آن موجود نام برده شده که انسان هنوز در بهشت است و بر زمین نیامده است. وقتی از خدا درخواست می کند اجازه دهد در انسان ها نفوذ کند تا آنها را به راه خود بکشاند و خدا هم این اجازه را به او می دهد. بعد از آن دیگر شیطان است و جمع بسته می شود و لشکر هم دارد.

لشکر شیطان و اجازه حق تعالی به ابلیس همان خصایل زشت انسانی است به طور مثال حب و بغض، کینه، عداوت، مال اندوزی، حسد، بخل، خود برتر بینی، تکبر، من و من باید حرف آخر را برنم و ...

یکی از دوستان دانشمندم که جا دارد در اینجا یادی از او بکنم (اسد ...) جهانگیر معظمی (گودرزی) گفت خصایل پیش گفته، خصایل نکره هستند (ناشناخته) و اکتسابی است؛ چون فطرت انسان خدایی است صفات خوب در نهادش ودیعه گذاشته شده. پس می توان گفت بستگی به شرایط آموزش انسانها دارد که به جهت صفات زشت که می توان صفات شیطانی گفت، نه خود شیطان یا شیطاین سوق داده شود یا به جهت صفات پسندیده که مورد قبول پروردگار است راه یابد. لذا باید نتیجه گرفت. و با صراحت گفت حتی اگر کسانی برنجند و نهزیرند، زیرا دین و آیین اسلام مربوط به همه ماست و کشور عزیزمان ایران هم تعلق دارد و مربوط به اشخاص یا گروه خاصی نیست.

هر طور که صلاح می دانیم به جهت اصلاح و بهبود حال مردم مسلمان ایران باید بکوشیم، چون همه مسئولیم. باید به صراحت گفت اگر امروز وحدت و همدلی میانمان وجود ندارد، شجاعت و از خود گذشتگی کم است، مال اندوزی

و حرص و جاه و مقام و دست یابی به جلال و جبروت بیداد می کند، به این دلیل است که کسی به فکر اشاعه صفات پسندیده از جمله شجاعت و گذشت نیست، زیرا برای ترویج خصایل نیکو نخست بایدخود را به آن لباس بیاریند (سخنی که از دل برخیزد، لاجرم بر دل نشیند).

متاسفانه حيله و تزوير به جهتجمع آوری مال و ثروت معنائيش عوض شده و آن را زرنگی می نامند. سر دیگران را کلاه گذاشتن و مال دیگران را خوردن معنائيش باهوشی و تیزهوشی شده.

در چنین شرایطی اگر جوانان ایرانی به سویی دیگر می روند، گناهشان به گردن ماست که نتوانستیم با رفتار و کردار خود صفات خوب خدای را در وجودشان پرورش دهیم. ناچار جای اندیشه خود را با صفات نکره یعنی کینه و نفاق، بخل و حسد، عداوت و سودجویی و خود برتر بینی پر می کنند.

در این داستان که مربوط به چهار نفر هم کلاسی و دوست دوران کودکی است، به تدریج با رشد شخصیت هر یک با توجه به خواستگاه خانوادگی آنها آشنا می شوید. امید است گوشه ای از گذشت و پایمردی انسانهای فقیر اما غنی در انسانیت را به شما خوانندگان عرضه کرده باشم.